

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عزیز نعیمی
۱۵ سپتمبر ۲۰۱۴

ابر طبقه

آبر طبقه نام کتابی است «درباره قدرت و تراکم آن در دستان شماری اندک در جهان. آنان چه کسانی هستند؟ چه شباهت‌هایی با نخبگان پیشین، و چه تفاوت‌هایی با بقیه ما دارند؟ فراتر از آن، ابر طبقه کتابی درباره اثرات ژرف این گروه بر حیات ما و دوران ماست.»

کتاب فوق تصویر جهان ماست. تصویری از زاویه دید صاحبان آن. آنان که کار، سیاست و فرهنگ جهانی را در کنترل دارند. هدایتش می‌کنند و به واسطه آن صندلی‌های زرین آبر طبقه را از آن خود کرده‌اند. روایتی از زبان پادشاهان سرمایه‌داری جهانی. نویسنده کتاب دیوید راتکاف در حکومت کلینتن عهده دار معاونت وزارت بازرگانی امریکا در امور تجارت بین‌المللی بوده و به گفته او کتاب نتیجه تلاش گروه مطالعاتی است که او مدیریت آن را به عهده داشته است.

در مقدمه آمده است: «در جهانی با شش میلیارد جمعیت، از هر یک میلیون نفر یک نفر عضو این آبر طبقه است. شمار آنان شش هزار نفر است. کسانی که در رأس دولت‌ها هستند. بزرگترین شرکت‌های جهانی را اداره می‌کنند. رسانه‌ها را می‌چرخانند، رهبری ادیان بزرگ جهان بر عهده‌شان است و نیز در پشت پرده سرخ خطرناکترین سازمان‌های تروریستی جهان را در دست دارند. آنان آبر طبقه جهانی هستند. شکل دهندگان تاریخ ما.» ظرف چند دهه گذشته گروهی نخبه در جهان با اقتداری فراگیر و فراتر از همه گروه‌ها در زمین ظهور کرده‌اند. هر یک از اعضای این آبر طبقه معمولاً توان اثر گذاری بر حیات میلیون‌ها نفر را دارند. مجموع ارزش دارائی‌های حدود یک هزار تن ثروتمندترین مردمان جهان - میلیارد‌های جهان - تقریباً دو برابر ۲/۵ میلیارد نفر فقیرترین هم نوعان ماست.

نویسنده کتاب برای فهم بیشتر آبر طبقه به دنبال شناسائی عناصری از آن رفته و حاصل آن مصاحبه با بیش از یکصد رهبر جهانی در حوزه‌های دولت، سیاست، تجارت، نظامی‌گری، رسانه و دین، بوده است.

به گفته نویسنده کتاب آبر طبقه می‌خواهد جنبه‌ای از نابرابری‌هایی را که در جهان امروز با سرعتی نجومی افزایش یافته است بیان کند و وضعیتی را به تصویر کشد که می‌تواند «کیفرخواستی علیه تمدن ما و تهدیدی برای ثبات آن باشد». اما در جای جای کتاب خط سیاسی تحلیلی آن نمی‌تواند مورد قبول کسانی باشد که واقعیت را ریشه‌ی مطالعه و تحلیل می‌کنند. مهم‌ترین اشکال در چنین تحلیل‌هایی جدا جلوه دادن قدرت‌های اقتصادی بین‌المللی یا فراملیتی از دولت‌های بورژوا امپریالیستی موجود، کمرنگ کردن نقش دستگاه دولت به مثابه ماشین سرکوب طبقاتی و نهاد رهبری کننده و برنامه ریز نظام سرمایه‌داری، و رازآلود کردن صف بندی‌های واقعی در سلسله مراتب و رقابت‌های جهانی است. با همه این‌ها تصویری که راتکاف با رعایت همه جوانب ممنوع آن (چه سیاسی و چه ایدئولوژیک) ارائه می‌دهد،

تصویری واقعی است از جهانی که قرار بود تحت روابط اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری و نئو لیبرالیزم، «عادلانه» باشد. کتاب همچنین از منظر آماری که جهت تأیید نابرابری‌های فزاینده موجود در عرصه‌های مختلف ارائه می‌دهد و نیز از این جهت که در پژوهش خود **آبر طبقه** را به عنوان رابطه‌ای اجتماعی و جهانی مورد مطالعه قرار داده است، می‌تواند مفید باشد.

در میان افراد گوناگون تشکیل دهنده **آبر طبقه جهانی بزرگ ترین گروه**، رهبران تجارت و امور مالی هستند. بنا بر برآوردهائی محافظه کارانه بیش از ۱۵۰۰ شرکت از این نوع وجود دارد که فروش سالانه یا دارائی‌های آن‌ها بیش از ۵ میلیارد دلار است. قدرت و اثرگذاری افرادی که در رأس این غول‌ها قرار دارند واقعاً جهانی است. با نگاهی به تولید ناخالص جهانی و جمع فروش شرکت‌های جهانی می‌توان قدرت شرکت‌ها را با قدرت کشورها مقایسه کرد. در سال ۲۰۰۷ متوسط تولید ناخالص جهانی ۴۷ تریلیون دلار برآورد شد. در همان سال جمع فروش ۲۵۰ شرکت تراز اول جهان بیش از ۱۴/۸۷ تریلیون دلار بوده است. تقریباً برابر یک سوم تولید ناخالص داخلی جهان و بالاتر از تولید ناخالص داخلی امریکا یا اتحادیه اروپا که به ترتیب ۱۳/۲۰ تریلیون و ۱۳/۷۴ تریلیون دلار بوده است. فروش تنها یکصد شرکت صدر این فهرست بیش از ۹/۷۲ تریلیون دلار و جمع فروش پنج شرکت اول آن (وال-مارت، اکسون موبیل، رویال داچ شل، بی پی و جنرال موتورز) تقریباً ۱/۵ تریلیون دلار - بالاتر از تولید ناخالص داخلی همه کشورها منهای هفت کشور بود. اکسون موبیل بزرگتر از عربستان سعودی (بیست و پنجمین اقتصاد بزرگ جهان) است و المارت مابین اندونزی و پولند قرار دارد، و جنرال موتورز، سر و گردنی بالاتر از تایلند است.

برای شفافتر شدن اهمیت این مقایسه بهتر است واحدهائی که فروش یا تولید ناخالص داخلی آنان بالاتر از ۵۰ میلیارد دلار است را در نظر بگیرید. صرف نظر از این که این واحدها در جرگه قدرتمندترین واحدهای اقتصادی جهان باشند یا نباشند، نکته مهم این است که از این گروه که مجموع آنها در زمان نگارش کتاب (۲۰۰۸) ۱۶۶ واحد است، تنها ۶۰ واحد کشور و ۱۰۶ واحد شرکت هستند. از این ۱۰۶ شرکت غول آسا ۹۱ شرکت در دو سوی اقیانوس اطلس قرار دارند، ۵۳ شرکت در اروپا و ۳۸ شرکت در امریکا و هشت شرکت در جاپان. ۲۰۰۰ شرکتی که در رأس شرکت‌های جهانی قرار دارند به لحاظ نیروی انسانی بیش از هفتاد میلیون نفر در سراسر جهان را در استخدام خود دارند و چنانچه هر کدام از آنها عضو یک خانوار چهار نفره باشد این شرکت‌ها مستقیماً معاش ۳۵۰ میلیون نفر را در سراسر جهان تأمین می‌کنند. از طریق تجارت با سایر شرکت‌ها نیز بر معاش چندین برابر بیش از این اثر می‌گذارند. به این ترتیب تصمیمات تنها چند هزار نفر اعضای هیأت مدیره و مدیریت این شرکت‌ها مستقیماً بر زندگی شاید یک میلیارد نفر یا بیشتر در جهان مؤثر است. ایجاد شغل، کاهش اشتغال، تغییر شرایط کار، تعیین استانداردهای زیست محیطی، و نیز حمایت از برخی سیاستمداران محلی و بی‌مهری نسبت به برخی دیگر از نتایج عملیات آن‌ها است.

عروج این شرکت‌ها بر چنین جایگاهی از قدرت، پدیده‌ای نسبتاً تازه است. شرکت‌های عمده از ایام شرکت هند شرقی در بریتانیا و شرکت خلیج هادسن به عنوان موتورهای اقتدار بریتانیا در عهد امپراتوری همواره اهمیت داشته‌اند. اما هیچ‌گاه این اهمیت در حد دوران جهانی شدن اقتصاد نبوده است. حتی ربع قرن پیش قدرت آنها در حد قابل توجهی کمتر بود. در سال ۱۹۸۳ جمع درآمد پانصد شرکت بزرگ جهان برابر با ۱۵ درصد تولید ناخالص جهانی بود. امروز این درصد بیش از دوبرابر افزایش یافته و فراتر از ۴۰ درصد است. به عنوان سنج‌های دیگر برای اندازه‌گیری رشد نفوذ گسترده شرکت‌های جهانی افزایش تعداد شرکت‌های وابسته به شرکت‌های بزرگ جهانی است. در سال ۱۹۶۲ یک صد شرکت بزرگ جهانی تنها دارای ۱۲۸۸ شرکت وابسته بودند. تا سال ۱۹۹۸ این شرکت‌ها بیش از ۱۰۰۰۰ شرکت وابسته داشتند. قدرت در بطن جامعه مالی جهانی فوق العاده فشرده و متمرکز است. فقط امریکا (با ۵۰ تریلیون دارائی)

و اروپا (تقریباً با سی تریلیون) بر بازار ۱۴۰ تریلیون دلاری سرمایه جهانی مسلطند، که در بطن این بازارها نیز بنگاه‌های خاص حاکمند.

بنا به بررسی‌های سازمان ملل متحد، جهان به رغم شکوفائی بسیاری از مناطق آن حتی نسبت به یک دهه پیش نابرابرتر شده است. و شکاف بین کشورهای و نیز درون کشورها بیشتر شده است. به عنوان مثال ثروتمندترین کشورها چون امریکا، اتحادیه اروپا و جاپان در حال حاضر به طور میانگین بیش از یک صد برابر ثروتمندتر از فقیرترین کشورها چون اتیوپی، هائیتی و نپال هستند. یک صد سال پیش این نسبت نزدیک ۹ به ۱ بود. جمع ثروت میلیاردهای جهان (تقریباً یک هزار نفر) بیش از ثروت دو نیم میلیارد نفر فقیرترین سکنه کره زمین است. در برخی مناطق تراکم فقر بی شباهت به تراکم ثروت در امریکا، اروپا و جاپان نیست. در افریقا تقریباً نیمی از جمعیت با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. در حالی که تنها سه و نیم درصد از اروپائی‌ها فقری در این حد خرد کننده و دردآور دارند. در چین که نظریه پردازان و محافل سرمایه‌داری جهان نرخ رشد قابل ملاحظه‌اش در دو دهه گذشته را ستایش می‌کنند نابرابری به طور هولناکی در حال افزایش است. که این قانون رشد سرمایه‌دارانه است. در دوره بین ۱۹۸۴ و ۲۰۰۴ ضریب جینی (ضریب جینی یک واحد اندازه گیری پراکندگی آماری است که معمولاً برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه آماری استفاده می‌شود) در چین تقریباً دوبرابر شده است و از ۲۹ به ۴۷ رسیده است. (میلانویچ در کتاب «جهان‌های جدا» این ضریب را برای سراسر جهان تقریباً ۶۵ اعلام می‌کند.) این‌ها تنها گوشه‌ای از تصویری است که کتاب **آبر طبقه** به نمایش می‌گذارد. جهانی که نابرابری در آن به صورت فزاینده‌ای رشد داشته است. جهانی تحت هدایت و حاکمیت دموکراسی بورژوائی که کنترل کار و اندیشه جهانی را در دست خود دارد. همانطور که گفته شد، با این که کتاب با خطی لیبرال و از زبان **آبر طبقه** بازگو شده است، با این همه رجوع به آن خالی از لطف نخواهد بود. به خصوص برای آنانی که آمال و آرزوی خود را رسیدن به عقلانیت و مدیریت دموکراسی بورژوائی قرار داده‌اند و رقابت آزاد را شاخص پیشروی جوامع توصیف می‌کنند. اما اکثریت که همواره بخش زیرین منحنی‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جهانی را به خود اختصاص داده‌اند، توده‌ای را که نیست. تجربه‌ای تاریخی پشت سر و آینده‌ای پر امید پیش رو دارد. آفرینندگان جهان نوین به ناگزیر پای در مبارزات طبقاتی می‌گذارند. این نه خیالی خام است و نه کابوسی برای فراموشی. مسیری است که در آن استعدادهای انسان نوین شکوفا می‌شود. انسانی که قصد به هم زدن این نابرابری‌ها را دارد و با نظام طبقاتی و نمایندگان اقتصادی سیاسی و نظامی و ایدئولوژیکش همه جانبه و تاریخی تعیین تکلیف خواهد کرد.

دریا

حاکمیتِ نخبگانِ پنهان؟

معرفی کتاب

آبر طبقه

نخبگان قدرت جهانی و جهانی که می‌سازند

نویسنده: دیوید رانکاف

مترجم: احمد عزیزی

انتشارات کویر، چاپ دوم ۱۳۹۲